

کالبدشکافی استانداردسازی در آموزش و پرورش در هزاره‌ی سوم

دکتر نادرقلی قورچیان

در اسفند ماه ۱۳۸۲ جناب آقای دکتر نادرقلی قورچیان در نخستین همایش استانداردسازی در آموزش و پرورش سخنانی را با عنوان بالا ایراد فرمودند که به ملاحظه‌ی اهمیت موضوع به نقل از نشریه‌ی دبیرخانه‌ی همایش، تقدیم می‌گردد.

چکیده

این مقاله اختصاص به کالبد شکافی مؤلفه‌های مؤثر بر آموزش و پرورش و استانداردهای آن داشته و به ترسیم عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و مدیریت مؤثر بر استانداردها در هزاره‌ی سوم می‌پردازند.

هزاره‌ای که طلوع آن با ظهور علمی هم‌چون نانوتکنولوژی، بیوتکنولوژی، مخابرات نوری، تکنولوژی ملکولی و... مترادف بوده و بر نظام آموزش و پرورش و مؤلفه‌های کلیدی آن هم‌چون استاندارد اثرگذار بوده است. مرور سیستماتیک پیشینه‌ی تحقیق، بیانگر مدل‌های متعدد استانداردسازی در آموزش و پرورش است که در این مقاله به‌مدل‌های مکانیکی، عملکردی، توسعه‌ی سرمایه‌ی انسانی، رویکرد سیستمی، پژوهشی، مجازی، بین‌المللی و مدل تلفیقی اشارت رفته است. آن‌گاه با توجه به واقعیت‌های مطروحه و آرمان‌ها و تئوری‌ها مفاهیم استاندارد مطرح و پایان بخش مقاله به جمع‌بندی و چند توصیه‌ی کاربردی اختصاص دارد.

مؤلفه‌های مؤثر به آموزش و پرورش و استانداردهای آن:

آری سرنوشت زمین و پارادیم‌های جدید مطروحه در آن مربوط به همگان و جامعه‌ی جهانی است و هسته‌ی مرکزی این سرنوشت را معمولاً آموزش و پرورش جهان که موتور علم، تحقیق

و فناوری است، رقم می‌زند.

جمع‌افزایی و پژواک اجتماعی این علم همانا ارتقای استانداردها، کیفیت زندگی و غنای فرهنگ بشری و محیطی است. با عنایت به نقش فوق، آموزش و پرورش معاصر باید نظرساز، جریان ساز، پیشرو، جهان‌ساز و شتاب دهنده‌ی برنامه‌های درسی جدید بوده و پاسخ‌گوی نیازهای جدید هزاره‌ی سوم باشد. الیوت آیزنر (*Elliot W. Eisner, 2004*) به‌درستی آموزش و پرورش و برنامه‌های درسی آنرا گسترش ظرفیت‌های انسانی در ابعاد ذیل دانسته است:

۱ - گسترش ظرفیت قضاوت

۲ - گسترش تفکر انتقادی

۳ - گسترش سواد بامعنا

۴ - گسترش همکاری

۵ - گسترش زمینه‌های خدماتی^(۱)

در حقیقت برای گسترش ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های انسانی دو صدای بزرگ شنیده می‌شود.

۱ - صدای مادیرگرای (*Secularism*) که با استانداردها و شاخص‌های انسان ساخته (*Man Made*) می‌خواهند ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های انسان را گسترش دهند.

۲ - صدای معنویت‌گرایی (*Spiritualism*) که با استانداردها و شاخص‌های الهی (*God Made*) می‌خواهند ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های انسانی را گسترش دهند.

به‌فرآیند فوق باید پدیده‌ی جهانی شدن و جهانی‌سازی (سایبرنتیک سیاسی) را علاوه‌ی نمایم که قلمرو آموزش و پرورش و مؤلفه‌های آن را به‌ویژه استانداردها و شاخص‌ها را تحت تأثیر قرار

می‌دهند.

رایج گردد، نیروی انسانی مورد نظر آنان با استانداردها و شاخص‌های آنان تربیت و آنان آماده‌ی خدمات به کشورهای مبدأ خواهند بود و ما شاهد فرار مغزها یعنی انتقال معکوس شاخص‌ها و استانداردها با سرمایه تربیتی کشور میزبان خواهیم بود.

پروفسور جین رادداک (*Jean Rudduck, 2004*) و دکتر جولیا فلاتر (*Julia Flotter*) ابعاد جهانی شدن را پنج دانسته و معتقدند که این ابعاد عمیقاً بر تعلیم و تربیت و استانداردها و شاخص‌های آن تأثیر می‌گذارند.

هزاره‌ی سوم و مقوله‌ی استانداردها

هزاره‌ی سوم با علومی هم‌چون نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی، مخابرات نوری، اقتصاد دانش، جامعه‌ی دانش، دارایی دانش و مدیریت دانش طلوع نموده و با خود انتظارات استاندارد جدیدی را با ابعاد گوناگون به‌ارمغان آورده است. در این‌جا صرفاً به مقوله آموزش و پرورش پرداخته می‌شود.

پروفسور ریچارد استرونک (*Richard W. Strong, 2001*) و همکارانش در کتاب مشهورش تحت عنوان تدریس آنچه بیشترین ارزش را دارد استانداردها و استراتژی‌ها برای افزایش موفقیت دانش‌آموزان می‌نویسد: در هزاره‌ی سوم سه بصیرت و مؤلفه‌ی بسیار با ارزش است که ما باید آنها را نهادینه نماییم:

۱ - استانداردهای پاسخگو

۲ - استراتژی‌های پاسخگو

۳ - سنجش پاسخگو^(۳)

به‌نظر مؤلفان فوق استانداردها باید حمایت آشکار عمومی داشته و قابل درک بوده، برای نهادها و جامعه‌ی متنوع جذاب بوده و قابل اجرا جهت اکثریت دانش‌آموزان در مدارس باشد. در حقیقت استانداردها:

۱ - به دانش‌آموزان منزلت، وقار و قدرت می‌دهد.

۲ - در دانش‌آموزان دانش، بینش و مهارت و تفکر ایجاد می‌کند.

۳ - کمک می‌نماید که دانش‌آموزان با دنیای متنوع و متکثر آشنا گردیده و اطمینان حاصل می‌گردد که حداقل دانستن، انجام دادن و شدن را دارا می‌باشند.

۴ - کمک می‌نماید که دانش‌آموزان دنیای بیرونی را بهتر درک کرده، اهداف شهروندی و حرفه‌ای را به‌طور ملموس و آشکار در

۱ - بعد سیاسی (ماورای دولت‌های محلی)

۲ - بعد اقتصادی (شرکت‌های چند ملیتی و استانداردهای بین‌المللی)

۳ - بعد فرهنگی (رسانه‌های فرهنگی، اینترنت، ماهواره، فیلم، تلویزیون)

۴ - بعد محیطی (خانه‌ی سبز و تهدید محیطی)

۵ - بعد مدیریتی (مدیریت منابع انسانی، مدیریت کیفی جامع، ایزوها، ابعاد نظری و عملی)^(۲)

به‌موارد فوق باید مسأله زبان را نیز اضافه کنیم:

همان‌طوری که مطلع هستید بیشترین ادبیات آکادمیکی در تعلیم و تربیت و استانداردها در کشورهای انگلیسی زبان هم‌چون ایالات متحده آمریکا، انگلیس و استرالیا تولید می‌شود. نویسندگان کتاب‌ها و آثار مذکور در خصوص سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها، تحقیقات، اقدامات، شاخص‌ها، معیارها و استانداردها، اصول و مفاهیمی را مطرح، ترسیم و تحت القاب متن‌های بین‌المللی (*International Texts*) کتاب‌های درسی بین‌المللی را روانه سایر کشورها نموده و ابزار تلقین و مشروعیت‌بخشی، یکسان‌سازی و جهانی‌سازی را فراهم می‌آورند.

عوامل فوق ممکن است حداقل انتظارات و شاخص‌ها را ترسیم و یا ممکن است رفتارهای کلیشه‌ای ملی و بین‌المللی را نضج دهند. در این فرآیند راز زدایی و شفافیت شاخص‌ها و خارج کردن از مه‌آلودگی استانداردها ضروری به‌نظر می‌رسد.

زیرا اگر استانداردها به‌صورت غیر حرفه‌ای و نامتجانس تدوین و تقلید گردد، تخریب حرفه‌ای بر روی انسان‌ها به‌وسعت یک عمر و چند نسل بشریت خواهد بود.

و علاوه اگر استانداردهای کشورهای غالب بر سایر کشورها

رفتار خود نشان دهند.^(۴)

۱ - مدل مکانیکی تدوین استاندارد

Mechanical Model of Developing Standard

عده‌ی معدودی به تدوین استانداردها با استفاده از روش قیومیت‌مدار (*Guardianship*) و تصمیم‌گیری‌های فرمایشی می‌پردازند. در حقیقت یک برنامه‌ی مکانیکی که مشتمل بر استانداردهاست برای چند نسل تدوین نموده و نهادها و سازمان‌هایی را بر اجرای آنها می‌گمارند.

۲ - مدل استخراج استانداردها از فرآیند یاددهی و یادگیری

Model of Standard-driven Teaching and Learning

بر اساس فعالیت‌ها و تجارب مکتسبه در امور یاددهی و یادگیری استانداردها استخراج و مبنای تدوین آنها می‌گردد.

۳ - مدل اصلاح آموزش و پرورش بر اساس استاندارد - محور

Accredited Standard-Based Education Reform

استانداردهای ملی و بین‌المللی تراز شده و معتبر مبنای اصلاحات آموزش و پرورش قرار می‌گیرد.

۴ - مدل استاندارد بر اساس عملکرد

Standard-Driven Performance

عملکردهای پیوستاری موجب تدوین استانداردها می‌گردد.

۵ - مدل تدوین استانداردها بر اساس رویکرد سیستمی

Developing Standard Based Upon System Approach

که با جمع‌آوری از درون‌دادها، فرآیندها، برون‌دادهای واسطه‌ای، برون‌دادهای نهایی و پیامدها، استانداردها نهایی و تدوین می‌گردد.

۶ - مدل استاندارد بر اساس ملاحظات توسعه‌ی سرمایه

انسانی

Standard Model of Human Capital Development

که بر استاندارد جهانی آموزش و پرورش با توجه به اقتصاد رابردی جهانی استانداردها تدوین می‌گردد.

۷ - مدل تدوین بالینی استاندارد

Clinical Model for Developing Standard

که با ظهور ضعف و نارسایی، به تدوین استانداردهای ویژه می‌پردازند و استانداردها به‌عنوان عامل شفاف‌بخش و رفع بحران

رابرد مارزانو (*Robert. J. Marzano, 2003*) در کتاب اخیر خود تحت عنوان «چه چیز در مدرسه کار می‌کند یا مؤثر است؛ انتقال تحقیق در عمل» پس از ۳۵ سال پژوهش ۳ عامل عمومی بر موفقیت آکادمیکی را مؤثر دانسته است. این عوامل عبارتند از:

۱ - عوامل مربوط به سطوح مدرسه: شامل خط‌مشی‌ها، تصمیم‌های کلان، اهداف، تغییرات، والدین، جامعه، محیط همکاری، حرفه‌گرایی می‌باشد.

۲ - عوامل مربوط به سطوح معلم: که تحت کنترل معلمان انفرادی است و شامل استراتژی‌های آموزشی و تدریس تکنیک‌های مدیریت کلاس طراحی و برنامه درسی است.

۳ - عوامل مربوط به سطح شاگرد: عوامل مربوط به سطح شاگرد شامل زمینه‌ی قبلی و خانوادگی دانش‌آموز، محیط خانه، هوش، زمینه‌ی دانش و انگیزش می‌باشد.^(۵)

دکتر سوزان دراک (*Susan Drake, 2004*) و ربکا برن (*Rebaca Burns*) در کتابشان تحت عنوان «تحقیق استانداردها از طریق برنامه‌ی درسی منسجم» استراتژی‌هایی را به‌منظور هماهنگی استانداردهای موضوع‌های درسی با استفاده از چارچوب علمی مدرن: ۱ - دانستن (*Knowing*) ۲ - انجام دادن (*doing*) ۳ - شدن (*be*) پیشنهاد می‌نمایند.^(۶)

در حقیقت تدریس استانداردها یک مسأله است و اجرای آن مسأله‌ای دیگر می‌باشد و در قلمرو آموزش و پرورش هر دو مهم هستند، یعنی استانداردها همان‌طور که استاد داگلاس ریوس (*Douglas Reeves*) خاطرنشان ساخته است باید پاسخ‌گویی برای فرآیند و پیامد یادگیری داشته و عامل تغییر رفتار پایدار باشند.

مدل‌های مطرح‌شده در خصوص استانداردسازی

در این‌جا مدل‌های تدوین استاندارد و استانداردسازی آورده می‌شود.

۸ - استاندارد ابزار اطمینان از حاکمیت هویت یکسان‌سازی علمی-ملی است.

جمع‌بندی و توصیه‌های کاربردی

مفهوم استاندارد در برگیرنده‌ی ابعاد متضاد و چند پهلو است. ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی، مدیریتی و اجرایی است که تحت تأثیر متغیرهای درونی، بیرونی و جهانی قرار می‌گیرد. اصولاً استانداردها نمایش زیرساخت علمی، توان علمی و آموزشی یک جامعه تلقی می‌گردد که به منظور زبان مشترک علمی و حرفه‌ای به کار گرفته می‌شود. در حقیقت از طریق اجرای استانداردها؛ مینیاتوری از اصول، ضوابط، خط‌مشی، بصیرت‌ها و رسالت‌ها را به نسل‌ها منتقل و موجب تداوم، قوام و تکامل افراد جامعه می‌گردیم.

اصولاً ظهور استانداردها در پاسخ‌گویی به این سؤال که ما چه نوع دانش، بینش، نگرش و مهارتی در شاگردان می‌خواهیم ایجاد نماییم، می‌باشد. به علاوه عمیقاً می‌پرسیم چه آدم‌هایی با چه خصوصیت‌هایی در جامعه می‌خواهیم. ابعاد محلی، ملی و بین‌المللی آنان چیست؟ چه انتظاراتی از آنان به عنوان شهروندان داریم؟

تفاوت‌های فردی، با عنایت به ابعاد سازمانی، پداگوژی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به چه میزان است؟ چگونه می‌توان این تفاوت‌ها را به شباهت‌های ملی تبدیل نمود؟

استانداردها به عنوان «پتانسیل‌های تحولی» جهت یکسان‌سازی و تعادل نکات افتراقی وارد عمل می‌شوند و به صدای شاگردان، معلمان، مدیران، والدین، کارکنان، صاحبان صنایع، کارفرمایان... جامعه‌ی جهانی، گوش فرا داده و با مأموریت «میزان حمایت» وارد فرآیند آموزش و پرورش می‌گردند. تدوین دقیق و حرفه‌ای استانداردها نیازمند حمایت علمی دقیق و کاربست نظریه‌ها، مدل‌ها و انگاره‌های عالی استانداردها و ادبیات غنی آن است در حقیقت استانداردها میزان پیش‌نهاد حمایت عالمانه، آگاهانه و با نقشه به شاگردان می‌باشد تا در جاده‌ی امن موفقیت به عنوان یک شهروند، با حصول اطمینان از

به کار گرفته می‌شود (مثل برخورد بالینی با یک بیمار و مرض خاص آن).

۸ - مدل تدوین استانداردها بر اساس پژوهش

(Standard-driven Research)

تدوین استانداردها بر اساس پژوهش و تحقیقات و فلسفه‌ی مشارکتی (Partnership) تدوین می‌گردد.

۹ - مدل مجازی Virtual Model of Developing Standard

تدوین استانداردها با عنایت به تجارب ماورای زمان و مکان خاص صورت می‌گیرد. استانداردها عامل ارتقای کیفی و موفقیت تلقی می‌گردد.

۱۰ - مدل استانداردهای بین‌المللی International Standards

تدوین استاندارد به شکل جهانی و بین‌المللی و بر اساس مطالعات تطبیقی صورت پذیرفته و نهایی می‌گردد، آنگاه سایرین با معتبر کردن و بومی کردن آنها در کشورهای خود به کار می‌برند.

۱۱ - مدل تلفیقی Eclectic Model

تدوین استانداردها بر اساس ترکیب، تلفیق و تلخیص سایر مدل‌ها با زبان تکنیکی خاص صورت پذیرفته و به کار گرفته می‌شود.

استاندارد چیست:

با ملاحظاتی که داشتیم می‌توان گفت:

۱ - استاندارد یک چارچوب برای فعالیت‌های یاددهی و یادگیری با توجه به عوامل زمان، شرایط درونی، بیرونی و جهانی و رفتارهای عملکردی است.

۲ - استاندارد ابزار مطمئن حصول اطمینان از اجرای حداقل انتظارات و کیفیت است.

۳ - استاندارد عامل پرکردن شکاف بین سطح دانستن (*Knowing-doing Gap*) و انجام دادن است.

۴ - استاندارد پل آرمان و اراده و واقعیت است.

۵ - استاندارد پنجره‌ی علمی و توان علمی یک جامعه است.

۶ - استاندارد برج مراقبت اطمینان کیفی است.

۷ - استاندارد عامل راز زدایی و رازگشودگی است.

حداقل رشد فردی، خانوادگی، تحصیلی، شغلی، حرفه‌ای و بین‌المللی نائل آیند.

مع ذلک نباید فراموش کرد که حمایت استاندارد باید بر اساس حمایت تحقیقاتی محور باشد که از ضریب اطمینان و درجه‌ی تناسب علمی، محلی، ملی و بین‌المللی برخوردار گردد.

با تحقق این مهم می‌توان لباس استاندارد را به تن یکایک شاگردان نمود که متناسب با سن عقلی و تقویمی آنان باشد. با این حال هر شاگرد به‌مثابه دانه‌های برف (اگر چه همه سفید و ظاهراً مشابه هستند و در اصل با هم متفاوتند) از تفاوت‌های فردی برخوردارند و در هنگام پرو (اندازه‌گیری) و دوخت لباس استاندارد به‌این فردیت‌ها باید توجه نموده و در ملاحظات استاندارد ملحوظ داریم.

در پایان قویاً توصیه می‌گردد با توجه به واقعیت کمی و کیفی آموزش و پرورش با ۱۳۸۵۱۸ آموزشگاه و مسائل آن، از جمله کتاب‌های درسی، شیوه‌ی امتحانات، نظام ارزشیابی، وضعیت علمی، آکادمیکی و مدرکی معلمان و دبیران (۴۷/۷۸ درصد از معلمان ابتدایی دیپلم، ۳۷/۳۰ درصد از دبیران راهنمایی لیسانس، ۷۹/۲۸ درصد از دبیران لیسانس و بالاترند و...) (۹) و استانداردها تدوین و نهایی می‌گردد.

بنابراین در تدوین استانداردها رعایت مطالعات تطبیقی، مطالعات موردی و پژوهش‌های محلی، ملی و بین‌المللی امر ضروری و سرنوشت‌ساز است. به‌طور آشکارا باید گفت که در آموزش و پرورش ما، نظریه‌پردازی به‌عنوان بخشی از راه آن هنوز نهادینه نگردیده (البته در ۱۰ سال اخیر با ایجاد پژوهشکده، دانشگاه، دفاتر تحقیقاتی و استفاده از تحقیقات دانشگاهی، ملی و بین‌المللی و...) شروع شده است. به‌علاوه آموزش و پرورش فاقد ادبیات سازمان یافته‌ی علمی و آگاهی‌بخش و تصمیم‌ساز در مؤلفه‌های کلیدی آموزش و پرورش است. امید است با یک تعهد حرفه‌ای و تدوین یک برنامه‌ی مدون به‌غناى نظریه‌پردازی در مؤلفه‌های مختلف از جمله استانداردسازی و تدوین استانداردها پردازیم (با استاندارد مثل یک جزیره نمی‌شود برخورد کرد. منظور سایر مؤلفه‌ها مثل تربیت معلم، دبیر، کتاب‌های درسی،

شیوه‌ی امتحانات، نظام ارزشیابی، نظام ارتقای سطح علمی معلمان، نظام پشتیبانی، نظام فناوری، نظام مدیریتی، نظام تحقیقاتی، نظام کارکنان) باید اصلاح و علمی گردد تا بتوان در آموزش و پرورش آرمان‌ها را به‌واقعیت‌ها تبدیل نموده و عالمانه و آگاهانه زمینه‌های رشد پایدار فردی، جمعی و بین‌المللی آنان را فراهم آوریم.

این مهم می‌تواند به‌مدد نتایج تحقیقات شتاب‌دهنده از طریق قلب، وارد مغز شاگردان گردیده و از طریق خود تنظیم‌کنندگی پویا راه ارتقای استانداردها و کیفیت‌ها را در کوچه پس کوچه‌های علمی در منطقه، کشور و جهان گشوده و غنا بخشند.

منابع

- Eisnes, Elliot W. (2004) New Needs, New Curriculum. Educational Leadership. Vol. 61, No. 4, P.2.
- Jean, Rudduck and Julia Flutter (2004) How to Improve Your School. London: Continuum P.48-53.
- Richard, W. Strong et al. (2001). Teaching What Matters Most Standards and Strategies, for Raising Student Achievement ASCD. 2001 P.1.
- Ibid, P.2
- Marzano, Robert J. (2003) What Works in Schools Translating Research into Action ASCD P.1-9
- Susan, Drake and Rebeccu Burns (2004, February) Meeting Standards Through Integrated Curricula ASCD New books.
- Reeves, Douglas B. (2004) Accountability for Learning, How Teachers and School Leaders Can Take Charge. ASCD.P.2
- Hershberg, T. (1997). New Standards in Education Available at: <http://www.cgp.upenn.edu/>
- آمار آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش، معاونت برنامه‌ریزی و منابع انسانی، دفتر طرح و برنامه، آذرماه ۱۳۸۲.